چهارشنبه ۱۳ تیر ۱۴۰۳
شماره ۴۱۷۶
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

وقت‌کشی در جنگ برای راهیابی ترامپ به کاخ سفید و التماس برای جذب ۱۰ هزار سرباز

چراغ بنزین نتانیاهو روشن شد

سیدمهدی طالبی
دبیرگروه جهان‌شهر

بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر و ایتمار بن‌گویر وزیر امنیت داخلی رژیم‌صهیونیستی نمی‌دانند چه کسی رئیس بیمارستان شفا در غزه را از زندان آزاد کرده و یوآف گالانت وزیر جنگ با خواهش و تمنا به دنبال ۱۰ هزار نیرو است.

نهادهای امنیتی رژیم هیچ‌کدام زیربار آزادی رئیس بیمارستان شفا نمی‌روند و گالانت نیز می‌خواهد به زور از قشری که از سربازی معاف بوده، نیمی از سربازان لشکر کوچکش را تامین کند.

در این بلبشو امید نتانیاهو به انتخابات ریاست جمهوری آمریکاست تا با انتخاب ترامپ، کاخ سفید منافع و سربازان آمریکایی را برای حفظ دولت نتانیاهو به خطر بیندازد. او به همین دلیل دوستی با جو بایدن، رئیس جمهور کنونی آمریکا را برانداخته و آشکارا به حمایت از رقیب او می‌پردازد.

چله بی‌بی اما ریاضت‌های بیشتر دارد که از برانگیختن خشم بایدن و فشارهای دولت آمریکا فراتر می‌رود. او تصمیم گرفته تا شیوه جنگ در غزه را تغییر دهد. بر اساس طرح جدید ارتش رژیم، جنگ ادامه می‌یابد اما جنگیدن متوقف می‌شود.

مرحله بعدی جنگ چگونه است؟

روزنامه الاخبار لبنان به تازگی ابعادی از مرحله بعدی جنگ را مورد بررسی قرار داده است. براساس آنچه این روزنامه گزارش کرده، رژیم قصد دارد وارد مرحله سوم جنگ شود که مختصات آن کاهش عملیات‌ها، محدود شدن نقاط حضور در غزه و تکیه بر حملات هوایی است. در ادامه گزارش روزنامه الاخبار درباره مرحله سوم جنگ مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. ورود به مرحله سوم جنگ به معنی پایان عملیات زمینی در غزه است اما پایان حضور زمینی در این منطقه به حساب نمی‌آید. صهیونیست‌ها دیگر همانند گذشته به محلات مختلف غزه یورش نمی‌برند، بلکه در مناطق محدودی به شکل ثابت مستقر می‌شوند.

۲. محافل صهیونیست می‌گویند ورود رژیم به مرحله سوم جنگ که شامل نبردهایی با شدت کم است در راستای ممانعت از گسترش جنگ در جبهه شمالی با لبنان صورت می‌گیرد.

این اتفاق به دلیل معادله سفت و سختی است که لبنانی‌ها در مرز با فلسطین اشغالی وضع کرده‌اند. هرچه رژیم به جنایت‌های خود در غزه می‌افزاید، شدت آتش در جبهه لبنان علیه صهیونیست‌ها افزایش می‌یابد. از این رو صهیونیست‌ها تصمیم گرفته‌اند برای کنترل آتش مقاومت در مرزهای شمالی، آتش خود علیه مقاومت غزه را کاهش دهند.

۳. الاخبار می‌گوید مقاومت اعتقاد دارد هرگونه تغییری در روش‌های جنگی تل‌آویو که در آن از میزان عملیات‌ها کاسته شود، به معنای عقب‌نشینی صهیونیست‌ها از اهداف بزرگ‌شان در طول جنگ است. بر این اساس صهیونیست‌ها پس از یک ماه تا حتی یک سال مجبور خواهند شد با حماس مذاکره و توافق کنند.

۴. مقاومت موافق اداره نبردی فرسایشی است که در آن تلفات فلسطینی‌ها کنترل شده، معیشت و امکانات‌شان تامین شود ولی در مقابل رژیم در جنگی طولانی‌مدت‌تر بخش بزرگ‌تری از توان خود را به تدریج از دست بدهد.

۵. گفته می‌شود در مرحله بعد میزان آسیب‌رسانی طرفین به یکدیگر به‌شدت کاهش می‌یابد. با اتمام عملیات‌های رژیم در نقاط مختلف غزه که برای کشف تونل‌ها و از بین بردن مبارزان صورت می‌گرفت، تلفات مقاومت کاهش می‌یابد. از سوی دیگر با مستقر شدن نظامیان رژیم در داخل پایگاه‌های مستحکم‌شده، مقاومت قادر نخواهد بود همانند گذشته از فاصله صفر و با تسلیحات ساده با سربازان صهیونیست درگیر شود.

۶. در مرحله سوم اتکای رژیم به نیروی هوایی خود است که تلاش می‌کند به وسیله آن به ترور نیروهای مقاومت و شخصیت‌های تاثیرگذار آن بپردازد. این ضربات از نگاه صهیونیست‌ها باعث افزایش تلفات کلی جنگ نمی‌شوند تا مخالفت جامعه بین‌المللی افزایش یابد؛ تعداد افرادی که در حملات هوایی ترور می‌شوند در هر صورت کمتر از زمانی است که بمباران‌های گسترده در کار باشند. از سوی دیگر در این حملات غیرنظامیان کمتری کشته می‌شوند.

۷. به نظر می‌رسد در مرحله سوم جنگ با عقب‌نشینی صهیونیست‌ها از خیابان به پایگاه‌های ایجادشده در نوار غزه، دسترسی مقاومت به نظامیان صهیونیست کاهش یابد اما تل‌آویو به وسیله ترورهای هوایی قدرت ضربه دردناک خود به مقاومت را حفظ کند.

با این حال در این تحلیل موارد دیگری نیز باید لحاظ شوند. با عقب‌نشینی نظامیان صهیونیست، مقاومت دست به بازسازی یگان‌های خود زده و در سایه آزادی عمل به‌دست‌آمده راکت‌باران شهرک‌های صهیونیست‌نشین را تشدید خواهد کرد. کارشناسان معتقدند مقاومت غزه دارای تسلیحات سنگینی مانند موشک‌های هدایت‌شونده ضدزره است که تاکنون به دلایلی آنها را به شکل گسترده مورد استفاده قرار نداده است. این تسلیحات می‌توانند برای ضربه به مواضع دشمن مورد استفاده قرار گیرند که نتیجه آن علاوه‌بر تلفات‌گیری تخریب تاسیسات و ساختمان‌های موجود در پایگاه‌های تازه‌تاسیس رژیم در نوار غزه است.

التماس برای جذب ۱۰ هزار سرباز

یوآف گالانت، وزیر جنگ رژیم می‌گوید ارتش به‌طور فوری نیازمند جذب ۱۰ هزار سرباز است. او می‌گوید ارتش می‌تواند «چهار هزار و ۸۰۰ نفر» آنها را از قشر «یهودیان حریدی» به خدمت بگیرد. یهودیان حریدی به دلیل اشتغال به امور مذهبی از خدمت نظامی معاف هستند اما این مساله به‌شدت مورد انتقاد دیگر اقشار صهیونیست قرار دارد. وقوع جنگ پرتلفات و همچنین کاهش نیروها باعث شده تا این انتقادها شدت گیرند. در مقابل یهودیان حریدی تهدید کرده‌اند به هر شکل که شده از امتیاز خود دفاع خواهند کرد. باید در نظر داشت آنچه باعث شده این امتیاز چه پیش از جنگ و چه پس از جنگ لغو نشود، مخاطرات فراوانش بوده است.

پررنگ شدن درخواست‌ها برای به خدمت گرفتن حریدی‌ها با وجود مخاطراتش نشان می‌دهد کفگیر تل‌آویو در بخش سربازان به ته دیگ خورده است. ابعاد این کمبود که رژیم را به آشوب داخلی کشانده، تنها بین ۱۰ تا ۴۰ هزار نیرو است.

رسانه‌های عبری پیش از این گزارش داده بودند ارتش برای جبران کمبودهای خود به‌دنبال لشکر جدیدی از نیروهای ذخیره است که می‌تواند ۱۰ تا ۴۰ هزار نیرو را به خدمت گیرد. این اعداد خود نیاز به بررسی دارند. یک لشکر از سه تیپ تشکیل می‌شود و هر تیپ در ساختار رژیم می‌تواند بین ۲ تا ۵ هزار نیرو داشته باشد. این مساله نشان می‌دهد تعداد نیروهای یک لشکر بین ۱۰ تا ۱۵ هزار نفر است. با این حال صحبت از ۴۰ هزار نفر در این لشکر می‌تواند عدد مورد درخواست فرماندهان نظامی باشد. به عبارتی دیگر فرماندهان نظامی خواهان به خدمت گرفتن ۴۰ هزار نیرو هستند اما مقامات سیاسی با توجه به دشواری جذب این نیرو تنها با تشکیل یک لشکر موافقت کرده‌اند که می‌تواند ۱۰ تا ۱۵ هزار نیرو داشته باشد، اما برای جلوگیری از بروز مخالفت و انتقاد فرماندهان ادعا کرده‌اند در این لشکر با ساختاری جدید تا ۴۰ هزار نفر نیز می‌توانند جذب شوند. اعلام نیاز برای ۱۰ یا ۴۰ هزار نیرو درهرحال به معنای شکست و امکان‌پذیر نبودن بسیج نیرو در سرزمین‌های اشغالی است. صهیونیست‌ها در ابتدای جنگ برای ۳۶۰ هزار نیرو فراخوان داده و موفق به جذب ۲۵۰ هزار نظامی ذخیره شدند اما با طولانی شدن جنگ و مرخص شدن آنان، این تعداد به سرعت به ۵۰ هزار نفر کاهش یافت. با در نظر گرفتن خدمت ۱۳۰ هزار نفر نیرو در نیروی زمینی رژیم، تعداد کل نیروهای زمینی رژیم با احتساب ۵۰ هزار نیروی ذخیره به ۱۸۰ هزار نفر کاهش یافت. باید توجه داشت عدد واقعی می‌تواند به مراتب کمتر از ۱۸۰ هزار نفر نیز باشد زیرا هزاران تلفات شامل کشته و زخمی در کادرهای رسمی وجود دارد. صهیونیست‌ها باید با کمتر از ۱۸۰ هزار سرباز، جبهه غزه، کرانه باختری و مرزهای لبنان را مدیریت کنند. این در حالی است که تعداد نیروهای مقاومت لبنان بنابر اعلام رهبر این جریان به بیش از ۱۰۰ هزار نفر می‌رسد. بنابر اذعان صهیونیست‌ها، مقاومت غزه نیز هم‌اکنون ۱۲ تا ۲۵ هزار نیرو دارد. به این تعداد باید ده‌ها هزار نیروی مقاومت در سوریه را نیز اضافه کرد.

بررسی استعداد انسانی نیروی زمینی رژیم و نیروهای گروه‌های مقاومتی منطقه شام نشان می‌دهد ارتش کلاسیک رژیم در حال از دست دادن برتری عددی خود در برابر گروه‌های شبه‌نظامی است. اگر قرار باشد در جنگی فراگیر ده‌ها هزار نیروی مقاومت از سوریه و عراق نیز وارد جنگ شوند، موازنه در تعداد نیروها بیشتر از آنچه هست، دچار تغییر می‌شود. همزمان با این تحولات، در بخش کادرهای رسمی و افسران نیز وضعیت دشواری حاکم است. شبکه ۱۲ رژیم‌صهیونیستی در این باره فاش کرد: «۹۰۰ افسر با درجه سروان و سرگرد طی سال جاری خواستار خروج از ارتش شده‌اند و این درحالی است که این رقم در سال‌های گذشته ۱۰۰ تا ۱۲۰ نفر بود.» خروج تعداد بالایی از افسران چیزی نیست که تل‌آویو در کوتاه‌مدت بتواند آن را جبران کند. این افسران برخلاف سربازان که آموزش‌های ساده‌تری می‌بینند، آموزش‌های گسترده‌ای را گذرانده و تحصیلات نظامی دارند. علاوه‌بر آن تجارب نظامی آنها با کسانی که در ماه نهم جنگ قرار است به‌صورت سرباز جذب شوند، یکسان نیست. تل‌آویو برای جبران کاستی‌های نظامی خود و بن‌بست‌شکنی به کسانی دل بسته که ۹ ماه خود را از جنگ دورنگه داشته‌اند.

چله بی‌بی برای ورود ترامپ به کاخ‌سفید

نتانیاهو در ۱۸ ژوئن پیامی ویدئویی را در شبکه اجتماعی ایکس منتشر کرد که باعث بهت‌زدگی کاخ‌سفید شد؛ در این ویدئو، دولت بایدن به مضایقه در عرضه تسلیحات و سازش بر سر امنیت اسرائیل متهم شده بود. پایگاه خبری- تحلیلی میدل ایست مانیتور می‌گوید متهم کردن دولت «جو بایدن» به عدم ارسال سلاح برای رژیم‌صهیونیستی که توسط نتانیاهو صورت گرفت، مبنای واقع‌بینانه‌ای ندارد. این رسانه انگلیسی معتقد است با توجه در پیش بودن انتخابات آمریکا، نتانیاهو قصد دارد مساله تعویق ارسال سلاح‌های آمریکایی را به دستاویزی برای همراهی دوباره با «دونالد ترامپ» نامزد حزب جمهوری‌خواه تبدیل کند.

تل‌آویو بر این عقیده است که آمریکای ترامپ را با وجود تمام ادعاهایش برای عدم درگیری در جنگ، می‌تواند به اقدامات نظامی در منطقه ترغیب کند. هدف نتانیاهو از کمک به ترامپ تنها دریافت مبالغ بیشتری پول یا سلاح نیست زیرا باید به مقدار کافی آنها را در اختیارش قرار داده است؛ آنچه او به آن می‌اندیشد ورود عملی آمریکا به منازعات است. آمریکا پس از آنکه مقاومت عراق حملات به پایگاه‌های این کشور در عراق و سوریه را متوقف کرد، به حملات خود علیه این گروه پایان داد، درحالی‌که عراقی‌ها هر روز بر شدت آتش خود علیه رژیم افزودند. واشنگتن حمله به مقاومت عراق را تنها زمانی آغاز کرد که آنها به پایگاه‌های این کشور حمله کردند و زمانی آن را متوقف کرد که این حملات پایان یافتند. در واقع در محاسبات واشنگتن، تل‌آویو جایی نداشت. رژیم امیدوار است با حضور ترامپ بتواند با فریب، این کشور را به داخل درگیری‌ها بکشاند.

دررژیم چه خبر است؟

رئیس بیمارستان الشفا در غزه که به اسارت صهیونیست‌ها درآمده بود آزاد شده اما مقامات رسمی سیاسی و نظامی می‌گویند کار آنها نبوده و از این اقدام بسیار خشگمین هستند. در راس این معترضان، نخست‌وزیر قرار دارد. نتانیاهو آزادی مدیر بیمارستان الشفا در شهر غزه را «اشتباهی فاحش» می‌داند. خبرگزاری فلسطینی سما گزارش کرده نخست‌وزیر رژیم دستور «بررسی جامع» این اتفاق را صادر کرده است. رئیس بیمارستان الشفا پیش از آنکه آزاد شود بیش از هفت ماه در شرایط سخت در بازداشت قرار داشت؛ بدون اینکه کیفرخواستی علیه وی ارائه شود. این خبرگزاری در ادامه گزارش خود آورده است نتانیاهو در دستور خود خواستار تشکیل تیمی برای بررسی هویت اسرای اهل غزه قبل از آزادی آنها شده است. دفتر نتانیاهو در اطلاعیه‌ای اعلام کرده است: «تصمیم آزادی رئیس بیمارستان الشفا بدون اطلاع سطح سیاسی یا رهبران سرویس‌های امنیتی اتخاذ شده است.» در بیانیه دفتر نتانیاهو آمده است: «تیمی که به بررسی هویت زندانیان و بازداشت‌شدگان قبل از آزادی آنها می‌پردازد، شامل نمایندگان وزارت جنگ، ارتش اسرائیل، شاباک و شورای امنیت داخلی خواهد بود.» با آزادی رئیس بیمارستان الشفا در روز دوشنبه، نهادهای مختلف امنیتی رژیم درحال متهم کردن یکدیگر در این خصوص هستند. «ایتامار بن گویر» وزیر امنیت داخلی رژیم‌صهیونیستی ادعا کرده که «رونن بار»، رئیس شاباک پیش‌تر او را تهدید کرده بود درصورتی‌که سیاستش برای تشدید سرکوب زندانیان فلسطینی را تعدیل نکند، درباره آزادی آنها تصمیماتی اتخاذ خواهد کرد. بن گویر در مصاحبه با کانال ۱۴ تلویزیون رژیم تاکید کرده رئیس شاباک در واقع دوشنبه عمدا برخی از آنها را آزاد کرد. وزیر امنیت داخلی رژیم گفته است: «کابینه اسرائیل خواهان مدیریت سیاسی خاص است، اما رئیس شاباک و مشاور قضایی می‌خواهند مستقل عمل کنند.»

این وزیر تندرو در سخنانی که نشان‌دهنده خوی افراطی وی است، اعلام کرده: «اردوگاه سدی تیمان باید باز بماند و بسته نشود زیرا مملو از زندانیان است. ازدحام بیش از حد زندان‌ها با زندانیان فلسطینی چیز خوبی است و نباید دلیلی برای آزادی آنها باشد.» در مقابل مخالفت نخست‌وزیر و وزیر امنیت ملی، بنی گانتز عضو پیشین دولت اضطراری و کابینه جنگ که به‌تازگی استعفا داده از این اقدام حمایت کرده و دستگیری «محمد ابوسلمیه» رئیس بیمارستان الشفا را از ابتدا اشتباه دانسته است. این اتفاق نشان‌دهنده عمق درهم ریختگی در ساختار صهیونیست‌هاست. عده‌ای از آنها خواهان عدم تحریک فلسطینی‌ها هستند زیرا می‌دانند این اقدام باعث بروز واکنش‌های سهمگین می‌شود؛ همان‌گونه که فشارهای سنگین نتانیاهو فلسطینی‌ها را به برنامه‌ریزی و اجرای عملیات ۷ اکتبر واداشت. در مقابل راست‌های افراطی حاضر در کابینه نتانیاهو معتقدند تسلط بر کرانه باختری و غزه ارزش این تلفات را دارد.

خرازی می‌گوید ایران در صورت فعال شدن مکانیسم ماشه نیز دکترین هسته‌ای خود را تغییر می‌دهد

تقویت بازدارندگی هسته‌ای

بازدارندگی هسته‌ای روزبه‌روز ملموس‌تر می‌شود. دیگر خبری از شوخی نیست. بازی با کلمات، ناچیز دانستن غنی‌سازی ۳,۵ درصدی ایران در دهه ۲۰۰۰ و تلاش برای تخلیه ذخایر اورانیوم حتی با غنای کم از این پس موضوعیتی ندارند. مساله جدی‌تر از آن چیزی است که تخمین زده می‌شد.

سیدکمال خرازی، وزیر خارجه اسبق ایران و رئیس کنونی شورای راهبردی روابط خارجی در روزهای اخیر طی مصاحبه‌ای با روزنامه انگلیسی فایننشال‌تایمز علاوه‌بر تاکید بر موضع‌گیری قبلی خود در این خصوص که اگر ایران با تهدیدی وجودی مواجه شود، «طبعا ما مجبور خواهیم بود دکترین خود را تغییر دهیم»، در موضعی جدید اعلام کرد اگر غرب تصمیم بگیرد مکانیسم ماشه (بازگردانی یکباره تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران) را برای بازگردانی تحریم‌های لغوشده تحت توافق هسته‌ای به کار ببندد، «واکنش شدیدی از ایران از نظر تغییر در راهبرد هسته‌ای آن دریافت خواهد کرد.»

«حمله رژیم‌صهیونیستی به تاسیسات هسته‌ای ایران»، «بروز خطر موجودیتی برای ایران»، «فعال شدن مکانیسم ماشه»، «گسترش جنگ به منطقه که می‌تواند مخاطرات زیادی برای ایران داشته باشد» تاکنون چهار وضعیتی هستند که به‌طور مستقیم یا تلویحی جزء عواملی ذکر شده‌اند که در صورت اتفاق، باعث تغییر دکترین هسته‌ای تهران می‌شوند. احتمال تغییر دکترین هسته‌ای ایران ابتدا درخصوص احتمال حمله رژیم‌صهیونیستی به تاسیسات هسته‌ای بیان شد. دومین بار اما تهدید موجودیت ایران به‌عنوان محرک اعلام شد. در سومین نوبت این تهدید نسبت به مکانیسم ماشه و حتی خطر گسترش جنگ به منطقه بیان شده است. در این خصوص نکاتی وجود دارد.

۱ طولانی شدن لیست اقداماتی که می‌توانند به تغییر دکترین هسته‌ای ایران منجر شوند، به این معناست که تهران زنجیره‌ای از اقدامات متعارف، غیرمتعارف و تحریمی را به لحاظ ابعاد عظیم زیان‌بار بودن یکسان و مستلزم واکنش عظیم می‌داند. به‌عنوان نمونه تحریم‌ها به‌دلیل خسارت‌هایی که به مردم می‌زنند با جنگ تفاوتی ندارند. از این رو باقی ماندن ایران تحت تحریم‌ها خطر تغییر دکترین هسته‌ای را به‌دنبال دارد.

۲ تا پیش از این مذاکره بر سر برنامه هسته‌ای ایران با واژه‌هایی مانند «گریز هسته‌ای» قابل‌توصیف بود و برای اعمال آن سانتریفیوژها جمع‌آوری‌شده و ذخایر اورانیوم غنی‌شده از کشور خارج یا در داخل رقیق می‌شدند.

از این پس برنامه هسته‌ای ایران از وضعیت قبل فراتر رفته است. دیگر باز و بسته کردن سانتریفیوژها یا حتی کاهش ذخایر اورانیوم غنی‌شده مطرح نیستند. مساله بر سر ساخت یا عدم‌ساخت است، به‌عبارتی «اراده» ایران مساله محوری است.

۳ ایران تلویحا درحال نشان دادن نقش بازدارندگی فناوری هسته‌ای در دکترین دفاعی خود است. تهران از تهدید علیه تاسیسات هسته‌ای تا تهدید با سلاح هسته‌ای و فعال کردن مکانیسم ماشه را به‌عنوان موضوعات تغییردهنده دکترین سلاح هسته‌ای خود عنوان کرده و تلاش دارد از این مساله به‌عنوان یک عامل بازدارنده بهره می‌برد.

۴ تهران برای گسترش برنامه هسته‌ای، منطقه‌ای و نظامی خود از سپر هسته‌ای استفاده می‌کند. به این معنا که در صورت اختلال در مسیر طبیعی هرکدام از این برنامه‌ها، حرکت به سمت تغییر دکترین هسته‌ای سرعت می‌گیرد.

۵ گفته می‌شود آمریکا در مذاکره و توافق با ایران حاضر شد سیاست خود مبنی‌بر نادیده گرفتن تهران را کنار گذاشته و به‌نوعی نقش منطقه‌ای آن را موردپذیرش قرار دهد. تهران در برهه کنونی با مواضع اعلامی‌اش می‌خواهد بگوید امتیازاتی که در آینده می‌گیرد باید فراتر از امتیاز قبلی باشند، زیرا وضعیت متفاوت شده است؛ به‌عنوان نمونه سطح غنی‌سازی ایران از ۲۰ درصد به ۶۰ درصد رسیده است.

به همین دلیل در وضعیت جدید غرب برای امتیاز به ایران باید ملزم به کاهش تهدیدات علیه ایران در قالب اقداماتی مانند مهار برنامه هسته‌ای رژیم شود. چنین اقدامی همچنین یک تضمین برای حصول توافق است. در دور قبلی مذاکرات دریافت نکردن تضمین‌های مناسب باعث خروج کم‌هزینه از برجام برای آمریکا شد.

۶ ایران قائل به ساخت سلاح هسته‌ای نبود اما آمریکا با وجود اطلاع از این نیت، تلاش کرد با متهم کردن تهران فضایی برای اعمال فشارهای سنگین ایجاد کند. واشنگتن مطمئن بود ایران علی‌رغم فشارها به دلایل مختلف به سمت ساخت سلاح حرکت نخواهد کرد. تهران برای تغییر این برداشت در واشنگتن حرکت به سمت ساخت سلاح هسته‌ای را به‌عنوان یک احتمال در صورت تداوم وضعیت فعلی بیان کرده است.

۷ نکته مهم آنکه برخی مواضع ایران نسبت به مسائل آتی نیستند. احتمال بروز خطر موجودیتی برای ایران با تهدید به‌وسیله تسلیحات هسته‌ای رژیم‌صهیونیستی و اعمال فشارهای غرب مسائلی هستند که امروز نیز وجود دارند. این مساله نشان می‌دهد در صورت تداوم وضعیت فعلی برای چند ماه آینده، تغییر دکترین هسته‌ای ایران محتمل‌تر خواهد شد.

۸ تغییر دکترین هسته‌ای ایران درخصوص مسائلی که نیازمند واکنش فوری‌اند، بیان‌شده‌اند. این مساله نشان می‌دهد تهران در صورت تغییر دکترین هسته‌ای وارد پاسخ‌های تاخیری نخواهد شد. به‌عنوان نمونه سیاست هسته‌ای پاکستان علیه هند تا مدت‌ها بر این مبنا بود که حتی در صورت حمله هسته‌ای هند، با توجه به توازن موجود پاسخ با تاخیری چندروزه یا حتی چندهفته‌ای موثر خواهد بود. این مساله مدنظر تهران نیست، زیرا ایران موضع جدید خود را مبتنی بر وضعیت‌های خطیر با احتمال بروز خطر موجودیتی بیان کرده است.

۹ تغییر دکترین هسته‌ای منطبق با تشدید فعالیت‌های هسته‌ای جهانی، گسترش برنامه‌های تسلیحاتی در سطح جهان و منطقه، موردنیاز شدید ایران و مورد درخواست مردم است. دولت‌های دارای سلاح هسته‌ای به سمت ساخت سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی یا استفاده تاکتیکی از تسلیحات هسته‌ای کنونی خود حرکت کرده‌اند. همزمان با تاکتیکی شدن سیاست‌های هسته‌ای، تعداد تسلیحات هسته‌ای دولت‌های دارنده چنین سلاح‌هایی نیز روبه افزایش است.